

مردان نامور

حکیم نیشابوری عمر خیام

بقیه از شماره ۴

معلم ذی اقتدار و مدیر شعبه‌های فارسی و عربی دارالفنون کمبریج در انگلستان، پروفیسور براون نیز در موضوع خیام چنین گوید: «عمر خیام که معلوم میشود امروز در انگلستان و امریکا شهرتش از هر شاعر دیگر ایرانی زیادتر است، در وطن خود کمتر مشهور بوده و حتی زیادتر از شاعر به اسم منجم و ریاضی دان معروف است. البته قسمت بزرگ این شهرت او (در عالم انگلیس) از این است که خوشبختانه رباعیات او را فیتز جرالڈ (۱) به انگلیسی ترجمه نموده که خودش يك شاعر بود».

باریه دو مینارد (۲) از مستشرقین معروف فرانسوی که در نصف اخیر قرن نوزدهم زیست میکرد و آثار عدیده تألیف نموده در موضوع خیام چنین گوید: «بعضی‌ها رباعیات را منافی شریعت اسلام دانسته و برخی آنها را محصول يك مخيلة معلول و ترکیب عجیبی از شبهه و استهزا دانسته اند ولی در هر صورت پیدا کردن يك شاعر در ایران آنهم در قرن یازدهم که بقول رنان (۳) «نوأم و همقدم کوتاه (۴) و هاینه (۵) باشد» هرگز خالی از حیرت نیست.

پروفیسور جکسن (۶) معلم و استاد محترم زبانهای ایران و

.E. Renan (۲)

.Barbier de Maynard (۲)

.Fitz Gerald (۱)

.W. Jackson (۶)

.H. Heine (۵)

.Goethe (۴)

هندي در دار الفنون کولومبیای آمریکا در موقع حکایت از سفری که تقریباً پانزده سال قبل در خراسان و اطراف آن اجرا نموده است چنین گوید: «خیام حکیم و منجم را که در نیشابور شاید معدودی می‌شناسند و خیام شاعر را تقریباً کسی نمی‌شناسد. اصلاً مسلمانی خیام نیز غیر از مسلمانی ایرانیان امروز بوده زیرا اوسنی بوده است. دیگر اسم خیام نیز عمر است و این اسم خلیفهٔ عرب را که سلطنت و مدینت ایرانیان را صدمهٔ بزرگی وارد آورد بخاطر آنها می‌آورد شعرهای شراب خیام را — به استثنای تفسیر های بعضی متصوفین — تماماً لفظی ترجمه نموده و حرمت فکر او را که در مورد خدای لا یزال نشان داده کفر می‌شمارند

میس کادل (۷) خانم مستشرق معروف انگلیسی که در تحری رباعیات اصلی خیام کار کرده و کوشیده است گوید: «اوصاف رباعیات خیام یک طرز بیان ساده، یک سجع و قافیهٔ کامل یک تعریض و استهزای شدید است. خیام فکر خود را آشکار گوید و بزبان عصر خودش که خیلی ترقی کرده بود تماماً مسلط بود چنانچه اگر در یک رباعی عبارات سقط و کسسته پدید آید می‌توان گفت که آن رباعی از خیام نیست»

ولی بطوریکه ما در گذشته نیز ذکر کردیم تفریق رباعی‌های خیام از خمیر آنها کاریست بس دشوار چه که زبان فارسی در ادوار متوالیه نسبت بدور خیام چندان کم تغییر پذیرفته که بدون داشتن ذوق و ملکهٔ مخصوص در ادای خیامانه و طرز بیان او، تفریق یک رباعی از رباعی دیگر بر اهل زبان نیز مشکل است و شناسائی مخصوص در خور است چنانکه سعدی گوید: تو اهل

فضل شناسی که اهل فضلی و دانش شبه فروش چه داند بهای در تمین را.

لاین فلیس (۸) از مؤلفین انگلیس در موضوع مقایسهٔ خیام با «شینهاور» فیلسوف آلمانی بعد از ذکر مثالهایی از «فیتزجرالد» چنین گوید: «عمر و شینهاور هر دو بد بینند در اینکه حیات بد است هر دو شریکند. ولی در خط حرکتی که باید اتخاذ نمود اختلاف دارند: شینهاور بواسطهٔ ریاضت به ابطال ارادهٔ حیات توصیه میکند و عمر خیام گوید مشغول شراب و گرم رباب باید بود» شاید شراب خیام تنها در اشعار و عبارات او وجود داشته است، چنانچه تقدس و ریاضت شینهاور. در هر صورت «لاین فلیس» با هیچ یک از این دو-چاره متسلی نمیگردد، چنانچه «گونه» شاعر معروف آلمان نیز این هر دو وسیله را در «فالوست» خودش امتحان میکند و در سرانجام چاره را در ایمان بخدا و محبت بنوع میجوید متن رباعیات خیام را اول پروفیسور کاول (۹) به فیتزجرالد مترجم شهر نشان داده است. و آن نسخه‌ای بود که در کتابخانهٔ «بودله‌ین» موجود است که فیتزجرالد آنرا بشیوهٔ بدیع خود به انگلیسی ترجمه نموده. بعد «هرون آلن» (۱۰) نامی عین آن نسخه را ترجمه نموده جاهائی را که فیتزجرالد در آنها بمتن اصلی رعایت نموده و با الفاظ و معانی خودش تزیین نموده است نیز نشان داده.

(بقیه دارد)

